the more of the first for the first of the

سالیا اله ۱۰۰ فران می فران می ادران می فران می از می می از می از می از می

جمه ۷۷ برج هلو ۱۳۰۱

صاحب امتياز ومدير مستول ؛ داور نماينده دار الشوراي ملي قيدت اهمستسييل الت

مفحه اول مطری ۳ قران مفحه دوم و سوم

مناشعة جهارم «

رُ منحل اذاره لا طهران خيا بان علاء الدول

Type of the transfer of the tr A colimnation of the same

J. 77 ر الله در مارس ۱۸۹۹ اقابستارت امراطور مزرا اختار و وزارت

این المار دا نمن وجوع فرمود و این

عسن نظر شاعانه فرق العاد و خوش

على وقت و وفاه م كرد . • و و ا ين يا من لبز وون وشب عد اين كالحود والابق ابن اعتباد تشان بدهم .. كاز كردم وازيدو أمن بيلغت شدم و كوفيل الزمن كار بايد يودكرام يك ريا ست مايه جهين لرنيب وادكه مانب واردام والمارز دبات

زايرد در "غرب و الأغال اللات المد " plate for the المالي على المراكب المراكب المراكب THE PARTY OF THE P A STATE OF THE STA

W -- - 186 יון: יוצרי בינווולוט Charles in the San San Co يريا والحج بوي كو تنها الملاح وزاريد مالد امو توانیت برای ویولد م منسود کافئ آلند و المتروره می والمناه المعندون والداء تروت علكت

مداهد بیم آمه ، بید. بند بند قط باین در تیب پرکرام حکومت اخ رديني تثيثات مومولي خارج ين ينه وراه قدق ما تم مادوي يس في دلعف الدس كره ٠٠ به الم رئيس مؤلف ديروز اشاره به پركرام الله و مملوم مي شود ميخو اهند

خط مشی جدیدے به مجلی عرضه بدارند • الماسا ما بتجدید بر کرامراهشت نى دھيم 🔹 🐪

هيج خرورت ندارد مدني ونت دولت صرف جور کردن و اد تازئی بشوف م أز بدو أشروطيت تاكنون ایران با فکر مشنول مرام سازیے و مناده بندي است ، هفده سال است که هر روز هر دو نشر ایرانی سه قُرْقَهُ قَاسَيْسُ كُرُدُ وَ دُو سُهُ جَزُو ۚ إِنَّ

گرام عملی و غیر عملی نوشت . بأ

وجود همه اين مواد مملكت هفته به

هفته پس رفت و ماه بماه نکبتی تر

the state of the s حکومت حاضر هم با پهرف پر كرامر نوشتن كارسيك مبورت نخواهد داد . پش استر او د براست تدوین مواد هیج صرف وقت اس شد و فورا قولت دست بعمل میزد . 🗼 🏋 ولی حالا که باید پر گزام نوشت مًا نظر هيئت وزرا را بدو نكته مهم الرجه من دهم والمديد اول لزوم اصلاحات مادى است قسمت اعظم يزكرام بايد راجع بمسائل التمادى بائيده كراره الأساك الرار المنافعة الكالماس الرياد

ایر ان ممثلے به گار و سر بایه و گروٽ ليت 🚅 ول هيوز ۾ اين باب ميهلن الداد يهورنازدند! الله والمن الزرادات واله و انها وا دیگرال کفتند شها انهاتر

بهركرام شما باله بطور ومنوح مَشِيُّ التَّصَادِيْ عَثْمَادُوا تَعْيَنَ كُو الْ مَّى خُواهِيدُ لَهُ بَيْشَتُر خَاصِلُ كَارِ ایرانی بشکم قاطر و شتر نرود و پلید يابو باز تكشيم ٩ در صدد ابنادعط اهن باشيد أو ابن مسئله را ماحد اول يركزام الخودتان قرار بدهيد ميل دا ربد از وار دات ايراني بكا هيد و براسيم بارچه لا س مظامر و مستخدميني كه دولت بان ها -ملبوس في دهد - چرخ هاي نخ ریسی و نساجی وارد کنید و این اخبر خوش وا دو پر کرامتنان، الواسيد . المراسيد المراسيد المراسيد المراسيد

و لا زم می دا نید که با وجود نداعتن اراه صا درات ايران زباد الشود 9

آین امحسول کم وزن پر نیمنی را که اریشم می کویند ترقی بدهید و وا دارید در تمامر انران ابزیشم بعمل يباورند و قتى كه اين مسئله و امثال ان در براگرام شما بود و شروع بگاری کرد ید مااز وزرای کم رمق شدا میکد ، ربم و دوات شما را عقدیس می کنیم

ندنه دویس که باید اقاسی رئیس الوزرا را بان متوجه كرد لزوم استهداد فكرى از تجاداست عند مملکت ما هنوز انتخمش د ر م ائل اقتصاد سب ندارد . اگر بخواهیم پر کر آم اقتصادی دولت مناسب با حوایج فعلی تجاوت ما باشد - باید أبه أرباب عجر به رجو ع كرد ما حالا كه علم اي متبعز نداريم لا اقل از اشخامی که در عمل ملتفت نقایص کار شده الد كسب المراو نظر بكنيم وزان سالكي گذارات مشاورين معصم از مر فیل دارد ــ باز هو گلفت و ام ميس المت که يا ي جهار عاصر ميان بالقد أيوا عالم ملك ال الموسورك كفوالا د وفي كه دېكوند الله ايم، مل كنه نظيت الما ولا المطار را الث

ير بهد نظر عبرا قار الملاحك اقصادي جلت ( جاله کرد ۹ ، ا The state of the s the first terminal of the second contract

ي والإخرو كابينه نهكيل شدر ا مواتران سلطاى كه بايد رول كند روايط و طيا روسيه است. رسيد الله الله الله الله إلى الزيك مال است على مواهده روس و المران وا صوب سكرده سدالك روابط ما فاج مالم، روسه ابواب خود را بروی ما سته د او میکدارد واردات ما از خاکش عبور کند نه اجازه میدهد و صادرات أيران أز واه روسيه ماهر عالك اروبا برود لا باچه فتهاله. این سیاست را اجرا 

ما أمر أفكم من الله على المناحدات اروبادر ۱۹۲۲ وضع گرده – و از ۸ مبرزان المال در مورد ايران مميدوقم عمل كذارده ابن تمرقه مطفا مالع ترانزيت و حَى قَائِمُ ارسَالهمال النجارِ ، يروديه الله • با بك مقال معلب روشن فر ني وه معاد

برای بك بوط (بنج من لبمنج بنز) كشمكش كه بروسيه برود يا از خاله روسيه عبورکاد - بأیدده منات طلا ( نش فرمان) داد ۱ یکی از عمال متنفذ روسیه در آمران

در خسن ملاقات خصوصی - اظهار

( ۲۹ ) جادی الثالی ۱۹۲۱ ( ۱۲ ) فوریه ۱۹۲۴

العراق المناسبة المنا

🦈 قیمت الك شها ره الما یك ماه ۴۰۰ شاهی است

این روزنامه بدون تفاشای کنین برای کسی ارسال تعیشود

ما و المرت المن المراجه المرت المن المرت المرت المن المرت ال

ایرای آلکه از فکر خانم دای صاحب قامهٔ استفاضه کسنیم موضوع دیل را برسایفه

م جواب باید بقدری مؤجز باند که پش از پك ستون روز تامه را نگیرد ه پس از آنکه حواب ها رسید و بندراج درج شد – اداره هیگی را تمین خواهد کرد که ب همه آن ها را یا یی طرفی و دفت کامل مطالعه و سه جوایی را که از همه این است انتخاب کاند

بنوينده موبك از آن سه جواب جايزه تقديم خواهد شد و

بايزه اول - يك جهه كروك عالم

المده درم سياك مدين الماد الما 

داشته : د اجرای تمرفه جدید کمرکی در

مورد ايران براي قفار باران است د ،

الله الن المنت أي الله الله الله

آیا معدد روسه این است است

me - y we will see the coins of the coins المرد بايد به مقاني ماشته باشد كا بتوان كفت شوهم خوبي استه ١٠٠٠ المله ؟ ALL WAR SELECTION OF THE SELECTION OF TH

المال سيء وله واعتم سرالها با دوسه است و اكتاارداد در بوسیه است. م مين عد را داخه بعد ا روجه کر خود را طرافار رفعار و ا کرمن ہے کہ کی جد کیا گ الماليكي بالمراد في الأعال عالما هري العاجد ا

رايت آلى مۇتىن الك ئېكىل بېد

ياده كالدر المحوس الارت على الم الماليان در کمپون تحت مدانه است و همین چند روزه راپرت آن تقدیم خواهد شد و بن از آن لایحه ملیوس وطنیدای غور دوم مطرح و عادم ا ول قرائت

ماده اول 🗕 دو لت مکلف است کلیه اراس جائی که ایرای مستخدمین اشکری و حستنوری آمیه می تیابد از معاوطت و منسو عَات ابران باشد السن المَن ماده بس از عظمتر مذاكره فدويب شد والمستناكرة

مادر دوم - عموم وزراء ومعاونين أن ها و الماينده كان مجلس شوراي ملي و ولات و حکام و أمنات عدایه و حکایه مستخدمين ك مشمول قالون استخدام مي باشند

سرقه كمرقى جديد ما أ كه دو سأل قبل بدون عرصف أو ويلم عدم - رمات للود و را منظورتن آجرای تعرف سیاین الأ مصودش أن قالت كه أدوات يران 🖚 وموحب قرار داد موقق دروسه خنطفار المبدة والعرفية فديم أثرا مسؤل داعه • بعدوه حكومت ما نعرفه حديدي تحت مطالعه كتارد. و البنه قبل از صوب در آن باب یا روسیه مشورت خوامد کرد م د بنی در برحسید ظامی سرمایش ارای رجود روامط موسقاله مو نبيش فيلتما بي خواميم قصور كمايمووسية در ماطن خيالاني دارد و اظهار تمي كند ما كان لدار مهايده

ما تَفَاضَايُ عُبْرِ مُمْقُولَ إِلَّ عَالَىٰ كُرُوهُ بَاعْدُ هُ The state of the s المرفل مسلله الد روان دودومات هماية بأيد اكر ملل اعتلاق ببدا كرد الد الم یکریاد . الاستان ا

مضر است و تعرفه هم در مان رديف 1 روسیه نباید فراموش کند که درموقع جلك روس و ژاپون – آمریه کمرکی که آلیان برای مدت دمسال بر او تحمیل کرد و خیم نر ازشکت در، **جن**ك آود

ها مهجواهم عامة ابن جنك المعادي بی صدفی را که امروز روسیه با ما میکند بدائه أيران مسلحق أبن رفنار كيست و أيران اول علکلی است که دوات ساویت را بر المبت فالمدا

يا أومعاهده مثمتد كردوماانع حقه او را در

سه وارالبودال

مجلس بنك بالدي هروب در فعد برخی دروز. کی بیر به منه کای ساوات و یک مامه کای ساوت او ۱۸ دار و ۲۵ دار و ۵ دار اخذ وای خده نمورب کردید یکی از نهاید. کان اظهار داشته که

مبتكرات ارسال شدة خوب است كسيون زود كر المعكل و والهورت مود وا مدد-المخير كسيون الملهار داشت كه لايمه، مذكوره 

مقتدر مناتل الازم داره . ١٠٠٠ ١١٠٠ ١١٠٠

ابن وزارت خانابك شخص منخصس

ایران – ۲۹ ملو

دوات تشكيل شد - موقعيت امروز

م حيثمهم ألت الثار المادي جامعه

وضبات مشكل تجارو انداد رادروسيه

عاكمت را بويراني وق خواهد داد آكر خامه

یم و نملکت خراب شددوللی که در راس

آ ن قرار گرفته جه کارمی تواند از پیش

﴿ اميد وَأَر رَمْدُواتُ حَاسَرَهُ بَيْشَ أَزُ الْمُمْ حَالَ ا

ساعی خود را صرف مبا قل اتصادی کرده

باد کارهای خوبی از خود بانی کدارد اینك

احاروال في الم

افترارات فران جما نيا له عده ا

ر مامم ) در تاكراف خالة منحان و

اظهار مىداراد فندوت حسرو كان يسر

و در اللك مارا مجيور بمرض حال وقطفان

دو محتوق تجارتي لازم دارد الم الم

The way has been selected to

المالية المكيل عد إ

ور این ماده هم پس از مختصر مذاکره الله فعره بيش لهادات وامله قراك و بقال توجه بود نشان اخذ رأى شد. قابل أوجه قصکردیده و بخود ماده اخذ رای شده

در مادر شوم پیش آواد شد که برای تخلف على دفعه أو أمواد أبن قانون حَدَيك حقوق ماميا له حڪسر دود جون اين 

ماده جوارم - این قانون از اول برج میزان ۱۳۰۲ بموقع اجرا کد ارده خواهد شد - اخد رای شده نمر ب و ماده سرم و شور گدر کلبات به بعد عوکول و جاسه برای نفنس تعطیل شهر ا بن از نبساعت عاس عددا المكبل

ویکندماز آقاین و کلا س از یك ربع ممطلی بزور در علی حاشر شده و عسده برای مذاكره و واي كل شده و ماده واحده والمع فيبازه مادله قرار داد اجارتي أمران ومصر قراات وجون عالني تداشعا اخذ

راي فقعة حوايث علا المناسبة مِلْس لابعًا ألبَّاد المادق كركرد وا الملك جزاد هرمن بعاسىمين التجاربونهري مطرح و در کلیات آن ع أنین عبد داشتد الكاماطواج لمك وكرد العدر وحي نداری کا سمی ۲۰ آن پدوات داده شود و أبو خول المت كه جلب. نظر مستشمار ماليه در اين لايحه مشود ــ مظربه اخير كه جلب تقل مستشاركل عاليه باشد قلبل توجه أشده ودرقسمت كيسهد دولت هد موقفين اطهار داشتد که اسکر عرب و زخت این ار در نظر فسکر فائرد فضیمن مدی ۷۰ به فاحد الملاز زياد "خوامد بود

معاون فوايد عامة مم شرخي دفاع لمود.

و منبدة دانتند ك خبرن كلوف أبراني

و قيمه داخله است خوب است مراعات جاب

السريك بلود

از عمليات ١ رسن لوين ١

التوقوييل أن ها وا بأغيه « الماراسين ، برده

تُونَفُ كُرِدُ \* وَلَى إِنَّا إِنَّ الْمُثِّرُ لُونِينَ أَمُوفَرُ أَ ثُشَ آ نَ

الو بن خال می کرد که ( دوبرك ) ای

رَمَائِي فِانْتِنَ ازدست آرَانَ هَائِي كَهُ دُورًا خَأَلُهُ اَسْ عَيْ

كتلند . حليا يمحض خروج به ألوهوبيلي جستة بعارف

مقصود خواهد وفت مجل إلى اين مي خواست از أو

قرر لماند ، المراب المر

خبالات لو بن علبنا خام بودند:

یك شماع تندی ظاهر كردید . درمیان لحظه موتوسیكاتی

( دو چرخه آتشی ) از ُجلو آن ها عبور آمود . ولی

ارأى ابن كه رئف از خشمش مطلع اشواد ، والحق

لوین که از غذب می خواست خودوا باره کند

جَانَ سِرَعت مِرَفَت كَمْ تَعَاقَبِشْ غَيْرٌ مُكُنْ بُودٍ \*

ور ساعت هنت و الم ، درب باغ باز شد و

وا الماموش المنود تما قورا بتوائد حركت كمند و

CONTRACTOR OF THE PROPERTY OF

بكة إن مذاكرات و دخول در شور ا وئيس الوزراء بدر بار حفور بوسرسانده مدنى الجاقاي رئمس الوزراء مشفول مذاكره بودند

وس از آن ماده اول قرائت و مختصر الم المحاورات كايدات مُذَاكِرُ \* شده وجون عده كافي أبود آقاى رأيس جاسه آتبه را بروز شنبه سه و ربع قب**ل** از لهن و دستور آن را اولاً لاينعة راخع نيربه روشاأئي بناع منبركة آن قسمت كه راجع بعتبات أست أزنباقانون شورأى دولق لأاقالون المخابات ممين كرداند ﴿ فِيشْتُمُ ادْى شَدْهُ بُودٌ وَاحْعُ فَإِنْ كُهُ

مُأْمُورُ بَنُ تُحديد ترياك يدون إجازًهُ وَأَخَلُ خَامَةً ۗ های مرقم اشواله آقای رقبس فرمودقد که الْكَارُّ الْمُجِلِمُنْ أَبَايِسِتَى أَمَدُكُرُهُ آشُودًا أُول بَأَيْدِ مِكَهُ سَابِونَ مُعْلِكُمُ اتُّ أَبْرُودٌ فَوْ اكْرُ احْزُطْبِيمِي است که لازم پیناراد نشت عنير كمسبون بؤداعه فرخصوش بودجه

مواد اخذ رای شده صویب کردید

تَمَارُفُ أَمْلُمَارُدَاتُهُ أَنْدَكُهُ عَلَمْتُ تَمُوَّ أَقَى اصلاحِ وَ فَرَجِهِ صَحيه ليودة إست كم أز طرف وزارت أمواق مُدهُ اللَّتُ الرُّ أَارُورُ ثَنْيَةً الجَامُ إِنْ كَا أى ظبع أردال ميدود و أكر الجام نه وافت المؤديمة ممارف عبزا براى طبعارسال مبشود خطبه نماهات ۷ بعد أو ظهر خامه وات

> Spiral Spiral وزراء فروزارت عانها قبل از ظهر روز گذشته آقالمدوز

فر موقع تبريك مدبران ورؤداى دارات اطاق وزو آقاى المسراللك نملتي نموده ني براينكه عم جند ما كلون من يست ارت مالية أرا عهده دار نبودمام اما جون بها رياست كسيرن تطيبق حواله جات را

آرآبودم از وضع وزارت مالیه بعفرسمطع در وقع شکایات مردم بنهابند سَلَّمَ أَمِيدُ أَدَّتُ كَمَّازُ عُمِدُهُ الْعُمَامَاتُ وزارتُ لِيهُ مِرْالِمُ يَنِي أَوْ أَنْ تَانِمُ سَاعِتُ الْمُدُّ أَنْ للمؤر بادكاتر مباسمو أرابس كان عاليه وابعع يه أمورات ماليه يعشفول مذاكرات بودند والمسا

هربك در وزارت خاله خود حضور وسالهم و رؤساء و مديران ادارات براي

S.K الله في الكروة و و الكو بمجلس دوراي از تسایات را بی مانیه و برایش متسلوف آن جا تنکایت دوده آند از جلس شورای ولي أبوزارت معارف ماليه الوشتاشده كالقدامات

المفاعلات حكورك الله المرعب تلكراني ومنى بوسية وزارت خارجه به وزارت مدابه مخابره عده کی

حكرمت باره مداخلات خلاف قالمون أمودن - w. L. C. L. - 5 x رُن جِه كيانيُ حَبِني ارًا كَا بَي أَرَا لَهُ بَي أَن تَجِار مَمْرُونَ إِسْتَ الْجَابِ إِدَارَهُ حَكُومَتَى كُرُوهُ وَا الما و الله على الدين واشا روز كذشته نيم ساعت يغزوب مالده براي ملاقات آقاي ببشنهاداما بادك نشكلات تكميل دود و أبن والأخرو أوليد فالدى برركي خواعد كرده

مَمَا فَرَتَ بِبِدَا كُرُوهُ أَسْتُ اللَّهِ اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ الللَّهُ اللّل

المهكار مجددا سوار الومو بيل كرديد والمراق القر بيش العم المهميد الما المعمد المساور المعمد المعمد المساور المعمد المساور المعمد ا

Service of the servic

ود و لو پی کایه از ما را کردش کرد ولی مقصود را

الماند المراجع المراجع

آفقاد که پرده مایش تقریبا آن را از انظر مستور می

دانند و جون با دور بين اكا، كرد ، در آن جا

یك آقای جانی و كوناه قدی را دید كه با بك خام

رو برشید. نصفه الت

با اشاره به رفقا دستورانی داد و مرانب به نشست .

ال مجاور ابن الرخالي بود ألو بن بدالجا رفته

ور ، وقع تفس ، در رو شائي حراع ، (دو برك)

فناخت ولى خا تم در انتهاى او نيسته و أسابن

خون وارد آنجا شداد الم آيي درمغرض الماش

الأخره در ساعت ده . جعمش به یکی از اوها

آنوقت از الوموبيل بهاده شده بارفقا بهرستوران مم كه مرقة مجددا بالأ رفت عنوز آردو مفنول محبت

تلكراف ملحد للسالى رؤز جهدارشنية هُمْت شَّاءت بعد از ظُهْر از ظُرْف محكة مطبيو رئيس كل ماليه بكليه ولايات و ايالات كهن شالى ها را من ببنيد كه امروز در اباس وزير باري و استبداد و فردا أور اباس وظن مخابرة شدة أود كا شورت عايدي هذه السلة رستی و مشروطه بازی می کناد و قابینه ها امثل برق می آبند و میروند و امروز اشخاصی ا فوری ارسال دارند در ساعت دو بغداز نصف شب أن كابه ولابات باعتناى سهجا جواب وسيده كه أسووت حساب هذه السنة أردال موض دوباره بسمت آنها معطوف مهشود و آقایان شیراز پس پردم بیرون میاورند . رديد و أز التراباد أطلاع أيدهند بوالطه فتل و ناامن که انهاق افتاده تاغروب روز

ومامداران امروز ايمران قيام ال هين بازيكر، ما هستند ، تغلقان سياست بازي است و ونجشنبه حاضر، و ارسال مبشود نَّ أَذَ جِنْدِينَ سَالُ تَازَهُ مَنْ أَيْرَانَ مِيمَوْاهَنَدَ قَبُولَ كَيْنَدُ لَهُ مُكُنَّ اسْتُ يُكِنِّفُونَ هُمُ أَذَ خانواده های در حة اول أبوده و لقب باهیمنه اداشته باشد و معیدا از عهده کار دولتی 🦠 كمساون الهارت عابدات ار آید - استان است معدر وزارت ماليه افتار أست المستحد حنافك ملاحظه مي كنيد آنيه و اميد خند كرور مات مظلوم واي صداى ايران استه الم المرابد كتابي رالي المرابد

ازوزارت داخله روزارت معارف اوشته در كه بايات آذر آبجان مجددا المكراف عد عوايد كشق راني بنوسط نهابنده أاورارت خاله وصول وينسرف موارف اروميه برسائد

ورو الدينه بلدي يد الدا الدين إحواجب الحلاعات واصله وثيبي ماليه تويسركان و مدير مدوسة وولق آنجا دسته بلدى نبوده و قصد المتنا عات واعد الد و با ترابش المبدراي رضديت زاد كالماعة عدم قروب هرورت رائس إماره ، ماله آمده

رئيسي هـ ته قفوني آن جا باداره ماليه آمده و مردم را متفرق نعوده ان وزارمه داخه بودارت ممارف اوت عد که از افدالت بن رو به و، غو کانونی مدير مدرسه حلو كيرى تمايند

الع راه مسعده از دفر داران اردبیل بوزارت بدلبه در خصوص باج راه اسلارا شاکی مستند كم سابقا كنز بوده و حالبه هم بك نفر نتر را جهار قرآن باج و حق العبور می عبدة المالية المالية المالية

المنا فلكيار تعدليه درو لايات بال الدفيم : ١٠٠٠ ما ١٠٠٠ المعاد ال الزوزارت عدله منحد اللل يا بودجه رسلًا ده و دستورداده الله كه تشكيلات خودرا

عت جلو قبری فیارند این در محلید است. مین در محلید است.

أوجب الملافات واسلة سردار أعظم حكرمت مخسه مردم وا دو المليه بلاون! جهة حيس مي كستد در موقيم ايتهضاح مدفى المدوم أماره تظهيه جوأب مي دهد . و سردار آین طور حکم کرده است ه

ما في أ ن المراب المايند و في ما عل هالي خالی است برای اعجاس سلیه ا فار

المن از در دفيقه . دُرْب از أن ها را كوبيدند اكنت : ساكت باشيد . . من مَى خَواهُمْ با شما حرف

مجاور آن جا رفتند " بني از صرف شام و كشيدن بك ا بودند ولى بقدرى آهميته كه لو بن كلمه از آن را ا وارد از او شد. دررا به بست وبهلوى خالم به نشت.

و یکی ازمندین نائر وارد شده کفت : آقای (دوبرك)

وکیل مجلس وا می خولعم م

ا همتد . شها از کجا ام شرا می دانید ؟

( دوبرك ) با صدائى حيرت آميز گفت : من

عَرَابِ وَادِ : بِكَ لَمْرَ أَسْهَاوِا ۚ إِلَى الْمُواهُدِ ،

بمن كمفت كه در أز نمره ۲۲ مي توالم شها را

المن مناسلة الن مناسلة والمناسلة وال

المحواب قاد : مُسبو ماركي ﴿ قَالَبُوفَكُس ﴾ ا

گفت : هان ؛ . . . . . گفتی ؛ . .

حجواب داد: آمدم أ أمدم أ

ست برویه و طرز رفقار وزیر و والی و حاکم و زارال های خیالی بی فوجی که از این طبقه و عازه و انلخاب مشولد . وابن حققت بك نكنه ديكر يرا علاوه كنيد آنوفت عرك اخلاق و حال زمامداران يران بر شها مكتوف مبدود: يتبر از عده فليل مقصود همه آنها از زمامد اوي في گردن جب خود و حدر رفقا است .

العقادل لديكر الن المالية

و اختناق ایران و

أللف شورتر خذانه دار ال

برای فهم حوادث أخبره بایران باید چند فکته را همینه در خاطر آوزد بید

" لكذه اول إينس كم طرز ادار مامور سياسي ابران شبيه باوضاع تاتر است اشعاس

عى بنايد كه وجاهت على دارند فردا يك مرآيه بشت فرده ميروند و حتى أسمعان مد

الماظاها محومیشود و ولی ایگمرتبه جرخوای دسیسه او ضباع را منقاب می کنند و قوجه

وزارت عدایه اوزارت داخه نوعته هذه ، پیشنهادات آید در حدود قانون استخدام از معركات و مداخلات غير قلولي حكورت | بعاشد •

بردجه كل مملكت ببودجه كل مخارج والهابدان علكي سال آرد ورمزه في نه ال طسرف وزارت ماليه تاويم جان شروائ مل خراهة كد

نطق آقاي مستشار السلطة الله مستار العالمة بريروز بن ال معرف عليه الذكري المولت عادات كالماء كالمون در موشوع مناقل اقسادی غروا ر سالمارته عضومن بان به واسع بامور رافعا دي است داريم مبن علق ايمان رهاميولكم 

منابي ال فواك الماندة وال یک قدر مهی وایا جرم بدوات

البله يعلور وافي أتاى أونيس الوزواء هُ مامه آ عر سال مصوبه مجلس بولايات إيان تكنه قوجة قومودة الما كا دير زماني است فشار اقتما دی علاکت را مخت تهدید می لماید و بر حسب یاد آوری مای مرر اتحاديه عدم تجارياي يخت وساير، لفاط بجلس شوراي ملى علاقه مندي خود

استكرده از عقب مفيش روان كرديد .

يُسْ مِنْ مَاوِزُ أَزْ الْهَالُوا لَا أَيْسُدُودِ الْشِدْمِ الْوَقِينَ الْمُعْمِلُو فِينَ

خالم خواست فریادی بزند ولی لو پن مالع شده

برام ، خیلی اهبت دارد ، این سی سا می دارد

خالم زين ال گفت : آه ا ٠٠٠ آرسن لوين

او را عن دانست أبلاؤه ما اين كه كاملا تميز الكال

داده و حتی موی سر را هم عوض کردماود اورا می

شاخت ا لوین با آن که به وقایم غیر مترقبه وقاکهانی

لو پن از تمجب دهائش باز ماکد ، این زن اسم

شوهرندب المتنابقة ما كالم المراجع المر

آقای مد بر . وال غربی کرده اید . صفات شوهی خوب را از کجا میخواهید زن های ایران بداند چیست ؟ معقبده نانس من عواى ايران شوهم خوب حمل ايم آورد هيج زاي شوهم خوب لد يده

.... Y with

عا ماواند سفات او را مشمارد و برای شما بنویسد ه وقتی که من هاوز طال بودم نصور مبحکردم مردی که بنواند لیاس های قباق و الكشتر برليان وإكردن بلد الماس و جوراب هاى ابريشي - أخ 1 مخصوساً جوراب هاى البريشي براي عبالش بعدد اما بدون قرقر و اي منت آن ميدشوهي خو بي است وني يعد ماتفت شدم كه عمل أست مرد الكشتر كرانها و أباس ير قيدت و حوواب ا براشي كه بنظر من أز هد جيز بيشترجاوه داشت برأى عبالش بحرد و هيئ منى هم بسر زش نگذارد و بارجود این حال یلای سیاه باشد

ونتی الملفت آبن لگنه شدم خال گردم شوههای را مهشود کفت خوب است ک از هُم قَدِم تَمْبِشُ لَأَمْ رُوعي احتراز كماد باك دامن باشد و مندين ولى افسوس طولى اكشد كه أجربه عقيده امر را تغيير داد معلقد شدم كه إنظر

زن شوهری خوب است که بیش از پلی زن آداشته باشد مرد دو وزه ارا خدا لمب من بديخي نكلد كه نصبت عض ات يعد معلوم شده بازهم اغياه كرده ام من مردهاى بك زنه اى مدت كه مهج دايال مرزه كي عيد نبي رويد و آن جوراب ابريشي كذائي را مم عي طرقد و ممهذا يبايدكن عدا هَجِع رَوَن عُدَّ مِعَى مَادِرٍ مُ شُومُرِي رَا كَرِفَتَارِ ۖ آنِهَا لِكَذَهِ مِنْهُ اللَّهِ مَا اللَّهِ اللَّ

علام شايد ، بارمانيد اينها كه همچكدام صفات شوم خوب ورا ملوم نكرد من عد تصديق ماوم ولي اكرداني ترسيدم بكويند خود من زن بدى و همتم و زياد بدادها - باز حرف الما المحاد بيكوم: العان بمای ملاس و میره عای انها و بهار آشان دارد ولی نوص طوب !

ور خاله این را مم خاطر اشان من کلم کهور ن بنصد مابنه جیمز الودته

الماحق العالى عود را الرجايز، علميم ال عوش بعني من كنم كه بوالد بكويد الدم مربات فران الدوران الدوران الدوران المراد ال المناع مد لازم الست اكر اصراوى داريد بنويسيد [ زن سير ال زندكي ]

والمور العادي هورك هاي وات وتين دارم ونةاي حميتي و مالاخره مستوش زد و توه بهیك زمینه وا جدا حرم نیاددگا، عرم عاس شورای مل دراین مَذَكُر و باين تطربه مو افتى باشد الهي زينه بك دوره بطالقات مقدناني A STATE OF THE STA

علاصمطوعات واجلمه والالالمادة المستحددة والمن المن مقد قول والمار المجود من سازه که من جه زود تر این مرام وا معوقم عل گذارد. -دی جلوی سبل ۱۹۰۰

امروز بدلیل حسن و بیانو نجربه ى شده است كمسارت و سعادت واستقلال بنده اهمت ابن نضبه را بدولت نذكر شرافت و امنیت و راحت و ثروت و دادة متلظرم اسلاحات اقلصادی وا سر مكات و جلال و عظمت فقط و فقط در لوحه مرام على خود كرده و آن را وير تحت أوسعه أمور أقتصادي أمت گلیه مسائل دوکر مقدم دارد

فلاحت مراد عام تهما موركالمسااعت اداره واغتورك خودرا التحار لمؤدة بمخش آن نواد خام را تبدیل به حبیز هائی می اطلاع نواسول روس و گار حکان ادارات كند كه احلباطت بهر در خان رفع بن حكومي و ظلبه آنج عاضر شدند آن چه شود و تهجارت آن نما را در معرض دست ا مذاکره می شود انتحار کننده تمایل بدختری رس دور و تزدیك و طوش و آینكانه می ا داشته است كه او متمایل آیبود است

## ارد ای نجارت محموصا بك و دارت خانه الله المراحم • 19 •

🧍 در اطرافکنفر: انس لوزان الدن ٩ - امروزكمية، إبن النهران كه إذ أعضاً يكامله الكلسنان المكل عده أود وايرت شُرَّ بُرْدَيْنَ كَاكِس رَّا وَاحْمَ أَيُومُعَيَاتُ أَ بِينَ ﴿ النَّهُرُ بِينَ أَذُّرْتُمُوتَ مَطَالُمُهُ قَبْرَانُ دَاهُ عَبْرِ جبريده ديلي البوز راجع اين موضوع حنين المُعَارُ" مَنْ دَارِدُ كَهُ أَمُوجِبُ مُعَاهَدُهُ كَهُ فِامْدِ فبصل در ما اكتبركدت منعقد شد، است قَصُونَ الكَاسِنُونَ الْمِسْنِي قَرْبِياً أَنْ نَاحِبُهُ رَا تخليه تمايند وفضيه تموسل هم بأيد شاخية حكميت مجمع أفاقى مال تود و أنا زماني احمال امضاي ماهده اوزان داده مي شود تصور حكم نخايه موصل مي ودولي محدثه ازسلا معالة بن النبرين كيلة مذكور إبد مطالها في قر المراف كليل

مخارج بُعمل أورد بطوري كه فسور ميرود بودجة سال آنية بالنابه أشن مابون ابره ميشود و موجه رابرت ولفه ارکما اوابهانوم نظامی بدد. و سوار، در شهر کرفش می استبدی به مقفین داده الد قاسه کروز. از اظل دولد منعد بر علاق در فهر انساني الزبد على غولد الله الرب

لبناد. و حداى تقلك تنبد، نبنود المنان من الميزاي عدايه مو ووزاست الورال جعر أينا فهاينده مراق مر ادار. وا اواسطه فر سايد حقوق تعطيل كرد. [ كافرالس لودان دو طي المعاجب عا معجر ر مكران بركز هار و مطر تواب المرادة مرابك الت بين المراد القالت عند وسط از البلوال وولد ات قریان \_ جن از رطای (فارم) ات زیرا حکومت مسکو یا آفره شاهرت مباياً د و مايل نيسټ حڪه فرال ها مداهده ملع را امعاً المايلد ضمنا فيين الخوار داشت كه سكنه ناحيه موصل فوق العادر بر عليه وده عمايين خودرا تلكرانا بمقامات صروطة المركوا أوبع شده الد و عات حده كه ترك معابرة و الطار مدور حواب داريم الله الم موصل را مطالبة مي كلد ابن است ك الرائة - در تمام خطوط الكراني كبلان مي خوامند مجددا مراق را الصاحب كرده والما قلام و عمل كردش بي حكند كه أل و به طابع فارس وست بندا كلد الله

ظهار النب منسلندوهمينا بوظالته بالإرب بر نبدي بدريد عدل المحالية روز ناه و قن يو القيارات علق

المار الم الم الم والمار مالود والمارة ازمير ببان كرده قال ميكند ، كال إداكاه ت که الهای کاپیتولا پیون (مهیموح مغیر مانع نراب در عنیان بیت و دهد اودو ا که در قدائل اقتسادی چنبیکات لازیه در مان بوده و ووابط مديمانه بيافرانسه كار المفتعد دروز طرف غزوب فعريا لمار المارة در خانمه مصطنی کیل باشا اضافه میداند

المارة اع ١٠٠٠

\* SHEET OF STATE OF SHEET

أَمْمَيالُي فَ مَا فَلَ عِلْمَالُي اللَّهِ وَ مُعتابِنَ

نبر را که (کوا دولت علمانی بسه

وسيله المام حجى تحكليف كرده أست كه

کشی های جنکی دافتین در ظرف سه روز

از بندر ازمیر غارج شؤند ) قطعا نکذیبی

أنهايند برعكس مذاكرات داير بخداته دادن

ابن اقفاق محلي بطور اميد بخش درام دارد

明(中、中)等法法庭关系。

Alexander of the state of the s

المه أسام دوام دارد و أميد ميرود ك

عثیان ۱۶ فوریه معلیرطان فرااسه

اشمار مبدارند که در ۱سلامبول به نفوذ معلدلانه

عسمت باشا در عاس ملى آنفره براى برقرارى

سلح در مشرق خبلی ایبدوار هستند

(-: -)

CALL AND ASSESSMENT OF THE STATE OF THE STAT

ومنهاني ١٤٪ فوريه شير ، دولت فرانيه

معفقين در باب تدوين شرابط راجع بورود

ر او نساکتی مبای باتین در بادر افید

منتول بذاكبرات حيندع وتالها ويالهاو

ا عنبالي وا در ايناب بن اياس عانية على

المنزلية يك ترفيق دين ماي على المعلى

و المحل المرابع إيلابول إن المحك

بامسالمت حل و تسویه شود

منهانی ع ۱ فوروا مذاکرات دایر بنهد

## در همین استخله درب ای باز شد و ( دو برك ) وی كرد . راضی لمین شد كه مقصود به تایان رئیده واس عام كرديد :

لوين از ابن كه منوز تبجه نكرفنه بعام افتام ، المنه عالم حد در همان كوشه كه نشده وي به آلدو حبف الله من كرد ، دعم ما الله الله الله سام لو بن كانت : مُنابو أه بفرمائيد بيزون و در ألجا ﴿ دُوبِرِكُ ﴾ دم يا لحني أمدخر. آميز ، كانت بهذمي أوالهم محبث كينهد أ خبواب داد : خبر ، همين جا پهتر ايت ، در مُوقع تنفس حرفها مأن را با هم مي زايم و كسيرا هم المان المان

ولی بلت مرتبه کلوی او را کرفته کفت : ممکن أيست إكذارم أا موقع الفس از ابن جأ يا بيرون كذاري لو بن هایج مناظر دنین بیش آمدی نبود و عضوما در مقابل زن که با او طرح دوستی ریخه و دست یکالکی داده بود , خانمی که خیلی هم خوشکل و دل ا فریب جلوه می کرد ، مختصر غرور او پن پیجوش آمد

خبرت كن المالية المالية المستمين خواهيم دائت و في كوش بدهيد ٠٠٠ ما لازم است با هم در مکان اراحق معبت اصطند . . . او دشون

בי מת: לתום בידי ינייי מי

وزارت تبارت لازم الت

فردا در چه ساعت و در حججا می شود خدمت نان خانم با تردید به او نکریسته امی دانست جمه کند و چه یگوید . لو بن گفت ز خواهش می کنم آن . جواب بدهيد ا ٠٠٠ الما اك كلمه ٠٠٠ عجله كنيد ٠٠٠ خوب نیست مرا این جا به بینند . أو خواهش میکنم خا نم خدواب داد : اسم من ارای شما بی

و خالم هم جُون ديد لوبن اورا مي شناسد ملوحش.

الله حواب داد : خير ، يكي از هندستان من تانن لمؤدة المت و المنافقة كة : في الساعة ( توابرك ) مراجعة و اظهار داشت : آسوده باشید و ما وقت صحبت فردا در ساعت سه بعد از ظهر در کوشه میدان و و ا

شده پردید : معلوم می تود شها قبلا مرا دیده اید: جواب داد : آری , آن شب در خانه او ۰۰ الظر اعمال عما بودم . . ون حرکتی کرد تافرار کند ولی لو پن انگاهش هاشته کفت : من باید بفهم شما کهسلید و برای همین از سید و منصود هم راود که ( دوبرك ) را بای نان خواسام . الله الله كان : جاور ا مكر ماركي ( د البونكس ) او را اخواسه ۱

خبلي ممتاد بود ; أو ابن آشائي بي سابقه بكليخود را باخت و هبیج فکر نکرد که ممکن امت انکار کند " إلكال اضطراب كفت: بس شها مي دأنهد وروي برسید: به او حد حواب بدهم ۱ حواب داد: آمدم ۱ آمدم ۱ آمدم ۱ ا

ابن مان زئى بود كه لجد عب فيل به ملاقات ( قوبرا ) ، آمده و برایش کارد کشید، بود و شها است و من شما وا از جلك او خلاص خواهد. پر پرسید : در چه نوضوع ۱ برای چه ۱ الكار لكنيد ٠٠، من يتين دارم كه ميل شيا هم همين است ٠ ، و كمجا هي أوائم شياراً به ينم ؟

فايده است ، ، , ما بايد بدوا باهم ملاقاتي بكسيد , ،

الوین هم چشم از او بر ادی دانت او نکس

غنب اك دره يود ، جه عبب دارد و و و و و و من من داندم که مقصودی در بين الـت و و و أقا ر ابن حقه بازي ما كنه شده أست و من به علفن ارسيده مقصود وا فهميدم و ماجت کرده ۱۰ آن وقت لوین را بطرفی زده میهاوی خالم نشست كفت أ. خوب عامن اده اسم عبر بف جبست ؟ لاید آن نوگر های پایس هستید ۴ ، و مستقد مای به میرود

یا گیال دقت لو بین وا نکاه کرد ولی مرجه سی المود بلکه اسمی روی او بکذارد الوانیت و آن کسی ا كه جند شب قبل ( يو لو نيوس ) ناميسده بـود

که بزودی عمد نامه منابع امضاً خواهد شد 

روماني ١٤ فورية - مسبو مراتبالو وقبس الوزراى رومانى "بأعسمت باعا" درموتم عبور از بمخارست ملاقات كرده ومشارالية را از تأبع مُذَاكُر إن خود بالهابندكان فرافسة و الكبس و ايطاليا خديوق لنوده أست المنافقة والم المناوسة عموسا اقدادات و فسامي مجداته دؤات روماني را در تعديل نظریات عنیالی در بابد اسلح تذکر و شرح weak to the same of the same of

(++)

🥉 حاكم دويساورك راً كه اخيرا باژيگها أخراج كرده بودند أمروز مراجه كرده و از همارت دارالحكومة كماتي شديدي أبراد المود هودما بازيكيمها أو والتحسنكير كردة و أتبعيدش فعودتد بازيكيها وأ ادعيث أمورهمتي وَيُتَّكُونُ مُ مُودِهُ اللهِ و المائات بارْ بكرما را كه از اداش اشغال شده بسمت انگلستان فرستاده پودند از راههای دیکر بردهٔ اند 🕯 ( و ) MAN AL PLANT OF A SHAPE OF THE STATE OF THE

ا تفار اینکه هاکرات راعیه بازدیاد سرد كاركران دغال سك العيد ( ارل ) منه كهيه تعدا بوه كاركوان اعتداب كرد. الد ولي لَقْت مرار لفر كار كران للبه عادست از کار لکنید، إند

الم فواى قرالموى ينتوان أحياط معامل وَعَلَى الْعِيامِ ﴿ سَأَرٍ ﴾ وو طمرت عدد الذ و كار كزان آلبا عم اعتباب أموده إلد ا مسافر کران واد آخل لاختار ؟ همهرای التاف مرو تهديد وبعداب اموده الد

النَّان ١٤ فوريه - - صن تنويق وتأكيف فاومت كاركن ألنالي برشداوليان المورا فرال وي در السامية ووهر أل دولت النان قسيد النودة التي كا قاتولى والكه بِهُ مُؤْخِبُ أَنْ عَدْهُ كَارِكُوانَ لِأَهُ آمَنَ بِعَبِسَتَ مَارَقُهُ الْمُعْلِلُ مَيْمَايَا مُوقُّوفَ الْأَجْرَارُ بِكَذَارِد ( ني ان )

Company of the State of the Sta

الهان١٤ فوريه - اوخوا دررومي بعالت ندایق باقی است و در از در این این این امرهن و وزل آبدون حادثه بتصرف فرالسويان در آمداد روز سه شابه در تعقيب حادثه که دولفر والدارم فرالسوی دا مجروح اموده دودند شهر کان گير خن مثاديه صد مايون مارك عكوم شد م (ب • ب)

ارس ۱۶ فوریه ه – در ثنیه آیده مَسْيُو يُوالْكَارِهِ دُويَابِ مُسْلَقُلُ شَرِقُ وَ وَضُعَ كنونى روهم دركسبون خارجه مجلسميه رثان و نوشهجاتی خواهد داده اغلب گئی ما بمات طوقان شدید در

بحر، أبيض حركت خود رايدًا خير انداخته و الميتوانندكه از يندر مارسيل خارج كردنده

ابطالبا على قورية ، خ موسيوموسلين Mile from the commence of the commence of

قانون راجع به قرار دادهای و دنگان و ا که بالصويب مجلس مبدونان وسيده به مجلس سلا تشديم أنمودم أذ طرف ديكرعبداامه والجعبة واز خريد ر مستدلات ألبالي ما در ايطاليا حَوِنَ إِمُونَمَ أَخِرِي كَذَارِفَهُ الشَّفَهُ تُدُولَتُ المِطَالَيَا كَثِرُوخ "به الصفيات كا أموال كردة المك ال ( , , , ),

👵 آر زانتان ۱۶ نوریه 🕳 🏻 قسمتی از مركز هوا ببيائي بأهيا بلانكا بواسطه حراقي معدوم کردیده خارت وارده خیلی آمد و م به بانصد من ار بزماً الخبين شده است (4.4)

بلغارستان ١٤ فور ٩١ – درتر ميم جميد كابينه بالهارسان مسيو سقاميولسكي وبالت وزراء و وزارت امور خارجه راکانی آلسابق عهده دار بوده و وزارت حنك را كفات اداره منهابد ، مديو آ ب وزير فلاحت كفالت وزارت داخه را دارد ، مسبور الف وزير عمليه كذبل وزارت ماليه ميباشد ومسيو ماكب وفرير فوايد عامة شده أيت و تهايلات صوبي دولت مانت که ساق بود و تنهیري الكرة المن و (ب.ب)

4.1 ١٤ فوريه ٠ - كماراو رئيس دولت ابراند بروز نامه اونیك فبوز اعلام داشه است که کان میکمد افراد خیر ملظم ایرلندی الاغوة تسميم كرده الدكة أسلمه خود وا وِمِن پَکنارند 💮 (ب ، ټ)

رفود - ۱۹۲ نفر کارگران سادن. دخال سنك در كاب احتراقي در زير زمين مدفون شده الد و إس از تنسس بسار اجاد بد قر دست آه

White had be a series to be a series مطرعات عارجه

املاحات پارلمای که ایطالیا در نظردارد بمحس آمدن برسر كار اهميت مساقل ساسی خارجه فوجه مخصوص و فعالبت مسبو موسوانی را کاملا بخود جاب لمودو مخصوصا مسله كفر إلى أندن معاد اليه وأ مام كرديد که الا فاصله به اسلاحاتی که در پرو کرام خود مشارادكرده بود اقدام فايد سلاو. غيبت او باعث شدكة فرستي بدست أجماهبون و اشتراکون دمد که بر شد روبد حکومت عديد المداماتي وموده و تشيئات آلوشا بواقه اخير خواين شهر أورن خانمه بافت

ا الله الما المعه مسيو مبشل بياني لبدر فاليست هاو مديركل وزاوت داخله در موقع عبور أز فلرألس اظهار كرده كابينه وأسيست مزودى شروع باسلاماني أموده ووقتاز دست رفته رابدست خواهد آور دواولين اصلاح جدى در ترتب التخاب نهایند کان باوامان خواهد

مبدهد في الرابي المساور والمساورة 🛴 🗷 دو ات در اظار دارد اختیا رات مجاس ميمونان را فقط مسائل سياسي محدود أموده و اختیارات تبایادگان را در حله مسائل فی از آنها سلب کلد و در آنار داریم که شورا های مخصوص فنی ایجاد اماقید که کابه مسائل واجعه يهمشاهل والوايد ويمسرف أروتوغيره بالم رجوع شود . اميدواريم كه بدين وسيله درباب تجارت وضلمت اظر إصلاحيت والخصصى که داراند بهتر از مجلس - که بعاور شطحی و سر سری کارم کند کے مداکل اقتصادی و نني را حل گذند .

از طرف بكانور مناتور امريكائي واشلكتن - در مجاس سنا مسيو براه املاحی راجع به یودجه بحری پیشنواد آموده که هار دلیك رئیس جمهوری - كنفرالس مركب از دول معظمه دليا دعوت ايابد با مسائل اقتصادى را تحت مطالعه در أوردمو قشون بری و بحری را آقابل لهاید

تقاضاى كلفرائس جديد خلع سلاح

ور این بیشاراد انتخاب دولی را که بايد در اين كنفراني شركت داعته باشد به خود رئیس جموری مول میدارد

هجابن ابن بشهاد در عوض بيعلمادي هواهد بود حکه کمیون اعتبارات مجلس مدونان کے دہ و نفاندا نبود، بود ک دوات کا نفرانس جدیدی برای طلع دارج محری

دعرت نیاید. مدیو ایراه در خین نوضیعات راجی ه پیشنهاد خود اظهار داشت که علاوه سر عسات دوسكر أي "بيشهاد قطعا به مسقه فلمض أرميهات وخرامات خامه خواهدداد تقدیم هدایا به دارالموم ( اونیودسته ) باریس

أخيرا مادام هان ادوارد الطاندو حواله سد منار فرانك به عنوان سبو مل آيل وايس داراللوم باریس ارسال داشته که یکی محصوس لاير آنوار و تفحيات نتي بودم و ديكري اطور استنزاخات شرقي به عصابي دارالملوم داده خواعد شد اینمیلم الحرنهسیدی شود به ٧٠ قـ من پلجيزار فرانکي ڪه هي پك الر حسب أسويب كسيون مساعدت أتجس دوستان داراليلوم بأريس يفلم مادام مان اطان نہر یك از محملین حک مقتنی باند داده مى شود . محماين فرانسوى و باخار جمالسويه لُّمَّةُ قُواللَّهُ أَزُّ ابن المقراحاتُ اسْتَعَادُهُ ۖ قَالِمُدُ فقط لازم است نحكة دريكي از يلج مدرسه على دارالعلوم عمل بانند ابن اقدام مؤجب همه أمم المجيد الله أز يك مارف بواسطه تكميل للابير الوار مساعدت برقيمتي به جلهاي كنواني منهايد و ازء طرف ديكر قسبت يه محصابن جوان دارالعلوم كهعلماى فرداخواهند 

از آنج که زن قابل تلید نیست مردان ما هيچ وقت از ايي خانم سر مدق لمخواهلد مدبوبیانی بیشباد دوات را جنن شرح ا کرنت .

-کسیو نو مخترم د اخلهانداد شر ق

در جواب مراسله امره ۱۰ مورخه ( ۲ دلو ۱۳۰۱ ) مراقب ذیل وا اعمار

ــ آعلالی برای شروع به تشکیلات ایالات و ولایات مطابق مواد مقرره در اصل دوم اظاماسامه اتحاد شرق در إمضى از حرابد النشار دميد أا بلدريجدر الحت تَعْلَيْهِ أَنَّى كَا صُرِيبًا أَرْسَالَ مِن شُود مُوجِب بِبِشْرَ أَتْ مُقْسُود كُردد

٧ - صورت امايدكات و اشعاس داد طابي كه در خارج مركز كنيت در خُواتت نمایدکی میں نُمایند بتوسط رابطین "بکمیله فرستادہ" و اعتبار نسامه آ ن ها ترا بعد از نصدیقکدینه بصحت همل و صلاحیت آن ها ارسال دارید از می می مینیا

الله البنه البنه المام و مرام مدون ارسال شد البنه المورى كه المقضى است در مرکز و خارج مرکز توزیع نمائید و هم جنین برای مطبوعات و اغلب مؤسسات مابه غارج ایران ابر بفرسند مل مهر کمینه انحاد شرق طهران نامره اعلان ۲۲

اعلان و ازرگترین دشنی که مات و ازاد ایرانی را تهدید بمرك می اماید افیون است و الله الله الله الله وطن يُرست مبارز. بـا ابن دشمن خانه بر انداز فريمنه حتمي است هائت مروج ورزش كه علانه مند بدحت جدد و تربیت اخلاق مات الوران است هموم را دعوت مشاود که در روز سه شلیه اول سورت لی شن اداعت بعد اذ ظهر ]. برای امتیاع کے فرانس مفیدی دوء این اب که از طرف ا کی دکار بیدگید اعظم داده خواعد شد و رسالون دار النون حاض شوند . . . . از طرف هیئت نیم الملک . الرة العدد ٢٠ المالية ا

مدرسه متوسطه دولتی دی وس واقع در طیابل بداد آبد دره 27 ( ترب میلونان مجلس) در این منه یا کارس تهبه تاسیس گردموقا دهم برج خوت شی فنر شاکرد که لااقلی شش سال داشته باشندمی مدارد و شركت شاهلشاهي أعلاقات ه in the state of th

All the standards were the standard of the sta

عكاسخانه فو عكاسخانه فو الله كنت - عابل منزل آقى منبر اللوق

 ق بتاری اسس شده بطرز و سیسام اجدید ارویا - عکسوا و کارت مسالهای دای وساد. – كابيته تعلى مثبت بالوان مخلله – وأكر الديسيان بارعابت سايقه اشخاس هراوزان أرين قيمت بر مهدارد - ضما مي لوح اشباء عكاسي قيمز خريد وقبروش مشهايد - أمليم فن عکامی مد مشود . ( فرکت عامنانی اعلانات ) المرد الملاد ۱۲ المرد ۱۲ المرد

HE HALL THE PROPERTY OF THE PARTY OF THE RESIDENCE OF THE PARTY OF THE بورس للن

فيت فانده

بابره	شلبنك	بنس	استره	شابنك	پلس	منتكى
						حومام وللك شاهندها مى

و رس باریس	بورس طهران
لادن معرد الدن معرد الدن معرد الدن معرد الدن معرد الدن الدن الدن الدن الدن الدن الدن الد	ندن مکتوبی ٦٥ - ٥٦ ا - ٥٢ ا
الهن الرابية المرابعة	الكرفي ١٠٠ - ١٥ ١٠ - ١٥
اسال ۱۳۰۲ - ۲۰۹ سریس ۲۱۲_۷۰	ارین نوان
ایطا لی ۲۹-۲۰ سهام باقک عقمالی ۷۲۲	

والمعلق المعالم المعال

ر دی النوع کل

يواسطه كمال قا كواني خالم محرم مأدام أقا بابوف ابرت الاهه وبةالنوع كلها ور آلبله در شنیهٔ سیم رجب بممرض نمایش گذارده خوامد شد